



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

معاونت آموز

اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی

امتحانات ارتقای - شهریور ۱۳۹۰

پایه :	۴	موضوع :	عقاید ۴
تاریخ :	۹۰/۶/۱۹	ساعت :	۱۰/۳۰

نام کتاب: بداية المعارف الالهية، از اول كتاب تا الفصل الثاني في النبوة

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. کدام گزینه، مصداق «شَرُّ است؟ الف ۱۱۷

أ. فقدان كل شيء ما من شأنه أن يكون له ■

ب. عدم شيء مأخوذ بالنسبة إلى ماهيته □

ج. عدم شيء مأخوذ بالنسبة إلى شيء آخر □

د. فقدان كل شيء ما من شأن شيء آخر أن يكون له □

۲. کدام گزینه صحیح است؟ د ۱۹۱

أ. خداوند در افعال خود هیچ غایتی ندارد □

ج. غایت فاعلیت خداوند، انتفاع خلق است □

د. غایت فعل خداوند، انتفاع خلق است ■

۳. إن الصفات ... تكون من الصفات الكمالية؛ لأنها كمال للذات دون الصفات ... فإنها متأخرة عن رتبة الذات. ب ۴۰

أ. الجلالية - الجمالية □ ب. الثبوتية الذاتية - الفعلية ■

ج. الثبوتية - السلبية □ د. الحقيقية الفعلية - الإضافية □

۴. ظاهر آیه شریفه «و لنبلوکم حتّٰی نعلم المجاهدين منکم و الصابرين» به علم خدا در ... اشاره می کند. د ۴۵-۶

أ. مرحلة ذات □ ب. لوح محفوظ □

ج. لوح محو و اثبات □ د. مرحلة فعل ■

تشریحی:

۱. آیا علوم تجربی می تواند مبنای شناخت و معرفت در مسائل اعتقادی قرار بگیرد؟ چرا؟ ۹

خیر، معرفت و شناخت تجربی که معیارش حس و تجربه است قلمرو محدودی دارد و جایز نیست در امور اعتقادی به آن اکتفا شود زیرا بسیاری از امور اعتقادی فراتر از حس و تجربه اند و ابزارهای علوم تجربی قابلیت سلب یا اثبات آنها را ندارند مثل مباحث مربوط به وجود خدا و صفات خدا و معاد و دیگر امور غیبی بنا بر این انکار مبدأ و معاد از دیدگاه علوم تجربی انکاری بدون دلیل است.

۲. از براهین اثبات واجب، برهان «امکان ماهوی» را توضیح دهید. ۲۷

العالم ممکن لذاته کُلّ ممکن لذاته يحتاج فی الوجود الی الغير فالعالم یطّبع فی الوجود الی الغير وهذا الغير إن کان واجباً فهو المطلوب والّا لزم أن ینتهی الیه لبطان الدور والتسلسل.

۳. توحید ذاتی را از راه «نفی ترکیب» ثابت کنید. ۵۳

لو کان فی الوجود واجب آخر لزم ترکیبهما لاشتراكهما فی کونهما واجبی الوجود فلا بدّ من مائز فیصیران مرکبین من الجنس والفصل أو من الحقيقة النوعية والمشخصات الخارجية وكلّ مرکّب محتاج الی أجزائه وهو یرجع الی کونه ممکناً وهو خلف.

۴. دو اشکال بر سخن کسانی بنویسید که در بحث صفات الهی قائل به زیادت صفات بر ذات شده اند. ۷۰-۷۱

۱. این گفتار مستلزم تعدد واجب الوجود است که دلیل های وحدانیت و بسیط بودن واجب الوجود آن را باطل می کند. ۲. لازمه این سخن احتیاج ذات به صفات زائده است در حالی که فرض شد که واجب الوجود غنی مطلق است. ۳. لازمه این قول ناقص بودن و محدود بودن ذات الهی است چرا که در این صورت ذات به خودی خود (یعنی در مرتبه ذات) از صفات خالی است و این با غیر محدود بودن ذات الهی و کمال مطلق بودن او سازگاری ندارد.

۵. به نظر شارح، پاداش دادن بر طاعت، از باب تفضّل است یا استحقاق؟ چرا؟ ۹۲

از باب تفضّل؛ دلیل: ۱. إذ العبد وعمله كان لمولاه فلا يملك شيئاً حتى يستحقّ به الثواب عليه تعالى. ۲. إنّ حقّ المولى على عبده أن ينقاد له في أوامره ونواهيه فلا معنى لاستحقاق العبد عليه عوضاً.

۶. با فرض اینکه شرور، اموری وجودی باشند، به «شبهه شرور» چه پاسخی می‌توان داد؟ ۱۲۳

شرور وجودی، از لوازم عالم مادی، و از لوازم نظام احسن است؛ چرا که لازمه طبیعت مادی، سلسله‌ای از نقصان‌ها و نیستی‌ها و تضاد و تزاحم است. حال با این وجود امر دائر است بین اینکه این عالم مادی با خیر غالبش خلق نشود یا اینکه خلق شود و آنچه که متعین است خلق عالم است.

۷. بر اساس نظریه مجبّره، افعال عباد، مخلوق خداوند متعال است و موجودات دیگر سببیتی ندارند. دو دلیل بر ردّ این دیدگاه

بنویسید. ۱۴۳-۱۴۲

۱. انّ انکار السببية والعلية خلاف الوجدان فإنّنا نرى أنفسنا علّة إيجابية بالنسبة الى التصورات والتفكرات الذهنية ... والوجدان أدلّ دليل على ثبوت السببية. ۲. التزاحم المشاهد بين المادّيات ممّا يشهد على وجود رابطة العلية والتأثير والتأثر بالمعنى الأعمّ والأفلا مجال لذلك. ۳. النصوص الشرعية تدلّ على وجود الرابطة السببية. توجه: دو دلیل کافی است هر کدام انمره

۸. قول به «تفویض» را از راه برهان خلف ردّ کنید. ۱۶۲

انّ الممكن كما لا يقتضى الوجود فى حدوثه وبقائه كذلك لا يقتضى الوجود فى فاعليته وإلّا لزم الانقلاب فى ذات الممكن وهو خلف فلا يتصور الاستقلال فى الممكن لا فى أصل وجوده ولا فى صفاته ولا فى بقائه ولا فى فاعليته.

۹. به روایاتی مثل «ما بعث الله نبياً حتى يأخذ عليه ثلاث خصال ... وأنّ الله يقدم من يشاء ويؤخر من يشاء» که ظهور در اثبات بداء دارد، چه

پاسخی می‌توان داد؟ ۱۸۲

المقصود منها أنّ الأمر بيده تعالى فيمكن أن يقدم وأن يؤخر رغماً لأنّ اليهود الذين قالوا يد الله مغلولة فالثابت هو البداء فى مقام الفعل لا في مقام الذات.